

تأديب

۱

امسول

تأديب



ویژہ مربیان جہادگر

مركز البحث في
العلوم الإنسانية



سروش‌نامه: صالحی، فاطمه، ۱۳۶۹-، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: اصول تادیب/گردآوردگان فاطمه صالحی، مرجان هرمزی شیخ‌طیعی، فاطمه بیانی صداقت؛
به اهتمام معاونت عملیات جهادی سازمان بسیج دانشجویی، مرکز مطالعات و هدایت حرکت‌های جهادی بسیج سازندگی.
مشخصات نشر: تهران: سازمان بسیج دانشجویی، مرکز اسناد و انتشارات، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۴۴ص.

فروست: مجموعه جزوات تأدیب؛ ۱.

شابک: ۹-۷۲۲۵۰۹-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: نوجوانان -- روان‌شناسی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع: Adolescent psychology -- Religious aspects -- Islam

موضوع: بلوغ -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع: Puberty -- Religious aspects -- Islam

موضوع: نوجوانان -- رفتار جنسی

موضوع: Teenagers -- Sexual behavior

شناسه افزوده: هرمزی شیخ‌طیعی، مرجان، ۱۳۷۳-، گردآورنده

شناسه افزوده: بیانی صداقت، فاطمه، ۱۳۷۰-، گردآورنده

شناسه افزوده: سازمان بسیج دانشجویی. مرکز اسناد

شناسه افزوده: سازمان بسیج دانشجویی. مرکز مطالعات و هدایت حرکت‌های جهادی بسیج سازندگی

رده بندی کنگره: ۵/۱۸/۲۳۳۰ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۷

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۹۵۹۱۲

شناسنامه

مجموعه جزوات تأدیب (۱)

اصول تأدیب

به اهتمام: معاونت عملیات جهادی سازمان بسیج دانشجویی
مرکز مطالعات و هدایت حرکت‌های جهادی بسیج سازندگی
گردآورندگان: فاطمه صالحی، مرجان هرمزی شیخ‌طیعی، فاطمه بیانی صداقت
ناشر: مرکز اسناد و انتشارات سازمان بسیج دانشجویی
نوبت چاپ: اول - پاییز ۹۸

آدرس: تهران - خیابان طالقانی - تقاطع مفتح - مجتمع فرهنگی
سیزده آبان - مرکز اسناد و انتشارات سازمان بسیج دانشجویی

تلفن: ۰۹۱۹۳۳۷۲۱۸۴-۸۳۸۱۵۱۶

پست الکترونیکی: bso.publication@gmail.com

شابک: ۹-۷۲۲۵۰۹-۶۲۲-۹۷۸ ISBN

شابک دوره: ۲-۰۸-۷۲۲۵-۶۲۲-۹۷۸ ISBN



JAHADGARAN.org



سازمان
بسیج
دانشجویی

۵	معرفی
۶	ساده، ولی مهم!
۷	مقدمه
۹	دوره دوم رشد
۱۰	تأدیب
۱۱	یادمان باشد که!
۱۲	اختیار
۱۳	ویژگی های دوره دوم رشد
۱۶	میل به شادی در کارها
۱۶	گرایش به امور دینی (میل به عبودیت)
۱۷	حافظه قوی و افزایش محفوظات
۱۷	دقت
۱۸	مراحل و موارد آموزشی
۱۸	تقویت قدرت انجام و ترک کارها و گرفتن تصمیم
۱۹	تقویت قوای جسمی و سلامت عمومی
۱۹	توجه به اعضای بدن و مراتب و وظایفشان
۲۰	بهره‌گیری از علم، ادب، تجربه و قدرت
۲۰	وقت شناسی
۲۱	توجه دادن به اوقات نماز
۲۲	قدرت شناخت حکم خدا در امور مختلف
۲۲	ارجحیت، کشف مراتب و جایگاه
۲۴	نوجوانی
۲۵	هویت

۲۶	۱. هویت فردی
۲۶	۲. هویت اجتماعی
۲۸	۳. هویت خانوادگی
۲۸	۴. هویت دینی
۲۸	۵. هویت ملی
۲۹	۶. هویت جنسی
۲۹	نوجوان و جنسیت
۳۰	بلوغ جنسی
۳۰	راه‌های جلوگیری از لغزش‌های جنسی
۳۰	ازدواج
۳۱	کنترل نفس
۳۲	روزه‌داری
۳۲	ورزش
۳۳	توجه به نوع لباس
۳۳	توجه به بستر خواب
۳۳	عدم پرخوری در غذاهای شهوت‌زا
۳۳	ایجاد مشغولیت فکری
۳۳	تشویق به حضور در بین جمع و در هوای آزاد
۳۴	کنترل نگاه
۳۴	سخن مناسب گفتن
۳۴	تقویت ایمان
۳۵	نماز
۳۵	عزت نفس
۳۵	استمداد از خداوند و اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
۳۶	درمان
۳۶	آموزش جنسی
۳۸	ملاحظات
۴۰	نتیجه‌گیری
۴۱	سخن آخر
۴۲	منابع

معرفی

نوجوانان، در شرف ورود به بزرگسالی هستند و در آینده جزء مهره‌های تأثیرگذار محل زندگی خود خواهند بود. آن‌ها نسبت به بزرگسالان جامعه خود پذیرش بیشتری برای یادگیری، ریسک‌پذیری و خلاقیت دارند که موجب رفع راحت‌تر عیوب و اصلاح می‌شود. بنابراین با سرمایه‌گذاری روی این رده سنی، تغییر نگرش، بارورکردن آگاهی و آموزه‌های آن‌ها با هدف اصلاح و رشد جامعه آنان، بسیار محتمل است که محل زندگی آنان در آینده از درون، دچار تحول، پیشرفت و بالندگی شود. گروه‌های جهادی می‌توانند از این فرصت برای پیشرفت مناطق روستایی استفاده کنند و با برنامه‌ریزی صحیح برای این رده سنی، آبادانی و اصلاح را برای این مناطق به ارمغان آورند.

از جمله راه‌های رشد و تربیت نوجوانان، آموزش مهارت‌های اساسی زندگی از جمله استفاده از قوه تعقل، تفکر انتقادی، قدرت حل مسئله، هویت‌یابی و... می‌باشد که اساس و بنای فکری درست را برای انتخاب بهترین‌ها در تمام جنبه‌های زندگی برای نوجوان فراهم می‌آورد؛ از این رو بر گروه‌های جهادی لازم است که مریدان نوجوان خود را با این مفاهیم آشنا کنند و برای آموزش این دسته از مسائل به مریدان خود از چیزی دریغ نورزند، چراکه به قول معروف، این

نوعی آموزش ماهی‌گیری است. اگر این مسئله رقم بخورد، دیگر لازم نیست در موقعیت‌های مختلف نوجوان را تحت آموزش‌های فرعی و متعدد قرار داد، زیرا او آموزش‌های اصلی مهارتی و تفکری را آموخته و خیر را در موقعیت‌های مختلف انتخاب کرده و به کار می‌گیرد.

برای کار با نوجوانان لازم است مربی در ابتدا ویژگی‌های خاص این رده سنی را بشناسند و در ادامه بدانند که باید چه مسائلی را در کار با نوجوانان مدنظر قرار دهد. در این راستا بر آن شدیم تا برای دسترسی راحت جهادگران به این مطالب، هرآنچه را نیاز است، در قالب جزوه‌ای گرد هم آوریم.

ساده، ولی مهم!

از آن جا که تربیت، با استمرار، تمرین و بازخوردگیری اتفاق می‌افتد، استمرار در آموزش و حضور مستمر مربیان و گروه‌های جهادی، یکی از مؤلفه‌های مهم اثرگذاری فرهنگی و تربیتی در منطقه می‌باشد. به همین دلیل، نباید انتظار داشت اثرات این آموزش و کارهای فرهنگی در همان یک‌بار حضور گروه جهادی دیده شود و باید با صبر و حوصله و برنامه‌ریزی قدم به قدم با جامعه میزبان همراه شد تا آموزه‌ها در آن‌ها درونی شده و آن‌ها را به کار گیرند.

مقدمه

طبق احادیث و نظریات اسلامی، تربیت، از مدت‌ها پیش از تولد نوزاد آغاز می‌گردد، اما به شکل مستقیم، در سه دوره هفت‌ساله صورت می‌پذیرد و مخاطبان امر تربیت به سه رده سنی تقسیم می‌شوند؛ صفر تا هفت سال، هفت تا چهارده سال و چهارده تا ۲۱ سال. هریک از این رده‌های سنی، اصول، مفاهیم، ابزار، شیوه‌ها، نکات و ظرایف خاص خود را دارند که در نظر گرفتن همین اقتضائات متفاوت سنی از مهم‌ترین بخش‌های برنامه‌ریزی در اردوهای جهادی است که متأسفانه مغفول مانده است و عدم تقسیم‌بندی صحیح سنی، موجب کم‌اثر شدن فعالیت‌ها می‌گردد.

طبق روایت‌های متواتر، دوره‌های رشد در هر فرد به سه بازه هفت‌ساله تقسیم می‌شود. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «دع ابنک یلعب سبع سنین و یؤدب سبع سنین و الزمه سبع سنین فإن أفلح وإلا فلا خیر فیه»؛ فرزند خود را تا هفت سالگی آزاد گذار تا به بازی بپردازد، در هفت سال پس از آن، ادب آموزد و در هفت سال سوم او را با خود همراه کن (تا از مشورت با او برخوردار گردی و در کارها از وی کمک بگیری).^۱

اگرچه به دلیل عوامل متعددی چون تفاوت‌های فردی، یکسان نبودن امکانات، آب‌وهوای محل سکونت و...، این تقسیم‌بندی ممکن است یک یا دو سال متغیر باشد، اما مبنای اصلی، همین سنین است. در هفت سال اول که در بسته سیادت، از آن تحت عنوان دوره اول رشد یاد کرده بودیم، همه فعالیت‌های

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۷۳؛ سفینة البحار، ج ۲، ص ۶۸۴.

کودک، جنبه بازی دارد. او در بازی، تجربه می‌کند، آزمون و خطا می‌کند و بزرگ می‌شود. در هفت سال اول، کودک آزاد است، اما این آزادی با ورود کودک به هفت سال دوم زندگی (دوره دوم رشد) رفته‌رفته محدود می‌شود. کودک در دوره دوم رشد به اطاعت می‌رسد. در این دوره که دوره حائز اهمیت رشد است، مبنای کلی فکری و دینی در کودک شکل می‌گیرد و به همین دلیل، مربیان آموزشی باید با دقت، تلاش خود را در جهت تحقق اهداف مربوط به این دوره به کار گیرند. همان‌طور که حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند که اگر تا چهارده سالگی کاری برای فرزندان نکردیم، دیگر تسلطی بر آن‌ها نداریم.

برای این مهم و با توجه به نیاز جهادگران، بسته اطاعت جهت استفاده مربیان فرهنگی برای بازه سنی هفت تا چهارده سال در نظر گرفته شده که جزوه حاضر تحت عنوان اصول تأدیب، به عنوان جزوه بالادستی این بسته تقدیم حضورتان می‌گردد.

مربیان عزیز برای استفاده بهتر از سایر جزوات این بسته، لازم است ابتدا این جزوه را مطالعه کرده و سپس از سایر جزوات این بسته استفاده کنند.

دوره دوم رشد

دوره دوم رشد، آرام‌ترین دوره رشد در انسان است و انسان در این دوره از هیجان‌ات جسمی، جنسی و روحی، نسبت به دوره سوم به‌دور است.^۱ به‌همین دلیل، مربی، فرصت کافی برای آموزش متربی دارد. چیزی که در این دوره باید مورد توجه مربیان عزیز قرار گیرد این است که کودک در ابتدای این دوره سنی، اقتضائاتی نزدیک به دوره اول دارد و نمی‌توان یک‌دفعه کودک را از فضای آزاد سیادت به فضای امرونی اطاعت سوق داد؛ فعالیت‌ها و باید‌ها و نبایدها در ابتدای دوره کمی سبک‌تر بوده و به بازی‌ها و فعالیت‌های دوره اول نزدیک‌تر است. این دوره که تا حدود سن بلوغ ادامه دارد، کودکی ثانویه نامیده می‌شود. متربی در بازه سنی ۱۴-۷ سال، بالغ می‌شود. از دوران بلوغ تا جوانی را نوجوانی می‌نامیم که تا چهارده‌سالگی در این دوره رشد قرار دارد. نوجوانی، مرحله بریدگی از کودکی با تمام خصوصیات آن و پیوستن به جوانی با همه امتیازات خاص آن است. با تغییراتی که در درون و برون نوجوان رخ داده است و او را از کودکی جدا کرده، نمی‌توان با او مانند یک کودک خردسال برخورد کرد؛ مثلاً نوجوانی که در زمان کودکی اش می‌شد به‌راحتی او را متقاعد کرد و به‌راحتی به او پرخاش کرد، اکنون به‌علت تغییرات ناشی از بلوغ، حساس و زودرنج شده و خیلی زود عصبانی می‌شود و با کوچک‌ترین برخوردی، دچار طغیان می‌گردد.

مربی باید بداند که در کودکی ثانویه، متربی هنوز به بازی نیاز دارد. از این جهت لازم است موارد آموزشی در قالب بازی و همراه با شادی و نشاط ارائه شود، اما نباید فراموش کرد که گفتگو و استدلال برای فعال‌شدن تفکر او هم الزامی است. دوره بعدی (سوم) به رشد عقلی نزدیک است و باید کم‌کم توان تفکر جهت‌دار، شکل گرفته و در چهارچوب قرار گیرد تا متربی بتواند در مواجهه با مسائل، راه‌حل‌های مختلف را ببیند و تصمیم‌گیری کند.

۱. این موضوع در حالت طبیعی در طول رشد انسان اتفاق می‌افتد و طبیعتاً از حالت وجود محرک‌ها مستثنی است.

همچنین نمی‌توان از متریبی از همان سن هفت‌سالگی انتظار داشت نفع و ضرر حقیقی خود را بداند و طبق آن انتخاب کند یا در تشخیص به استقلال رسیده باشد، بلکه مربی باید آرام‌آرام با هم‌فکری و بدون پیش‌داوری و تعصب به او کمک کند تا کم‌کم بتواند با عقل خود، خوب و بد را تشخیص داده و در تصمیم‌گیری مستقل شود.

در نظر داشته باشید که اصول کلی دوره دوم رشد که به آن اشاره خواهد شد، برای کل بازه در نظر گرفته می‌شود، اما مهم‌ترین دلیلی که باعث می‌شود تا این بازه را به دوزیربازه کوچک‌تر تقسیم کنیم، رخ دادن بلوغ و تحولات روحی و جسمی ناشی از آن است که به دلیل اهمیت این موضوع، به صورت جداگانه در فصل نوجوانی مورد بحث قرار می‌گیرد.

تأدیب

امام سجاد علیه السلام فرمودند: «... حَقُّ وِلْدِكَ... أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيتَهُ [به] مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدِلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ... وَالْمُعُونَةَ عَلَى طَاعَتِهِ فَيْكَ وَفِي نَفْسِهِ...»؛ حق فرزند تو این است... در سرپرستی وی مسئولیت داری که ادب او را نیکو کنی و به سوی پروردگارش و در فرمان برداری رهنمون سازی، نسبت به وظایفش در اطاعت رب یاری‌اش دهی.

باتوجه به روایتی که ذکر شد، واژه ادب دارای اهمیت است و رویکرد مربی در برخورد با مخاطب خود باید تأدیبی باشد، نه تربیتی. ادب آموختن با تربیت کردن متفاوت است. تربیت از رب می‌آید و در لغت به معنی راندن چیزی به سوی کمال و برطرف کردن نقایص آن چیز است و در اصطلاح، به معنای بزرگ کردن و شکل دلخواه خود را به آن دادن است؛ به عبارت دیگر، تربیت، ایجاد عادت‌های مطلوب مربی در متریبی است. در تربیت، مربی خود و سلیقه‌اش را به متریبی تحمیل می‌کند.

اما ادب یعنی جهت منطقی پیدا کردن؛ این که همه اعضا و افعال جهت منطقی پیدا کنند و هدفمند باشند. ادب، فراهم کردن یک شرایطی است که فرد بتواند خودش درست را تشخیص بدهد، درست تفکر کند و از گفتار، رفتار، گوش، چشم، شکم، شهوت و... مراقبت کند. در ادب، مربی، مخاطب را به سمت مسیر منطقی سوق می‌دهد و راهنمایی می‌کند، اما مسیر را مشخص نمی‌کند و او با توجه به آموزه‌ها، خودش باید به جهت منطقی برسد و تصمیم‌گیری کند. باید مدنظر داشته باشیم که کودک در هفت سال دوم تربیت نمی‌شود، بلکه ادب می‌آموزد. پس در این جا مربی وظیفه تأدیبی دارد، نه تربیتی. واضح است که مخاطب برای این که بتواند برای رفتار و گفتار خود جهت منطقی پیدا کند، باید در مواقع مورد نیاز تصمیم بگیرد و لازمه تصمیم‌گیری درست بین حق و باطل یا خوب و بد، تقویت قوه تشخیص در کودک است. تشخیص کودک با تقویت قوه تفکر اتفاق می‌افتد. پس برای این که بتوانیم به اهداف تأدیبی خود برسیم، یکی از مهم‌ترین مسائل، تحریک و تقویت قوه تفکر مرتبی است، چرا که صرف انباشت اطلاعات در مرتبی بدون تفکر، او را به شخصیتی مقلد تبدیل می‌کند که پسندیده نیست و می‌تواند در دوره بعدی تهدید جدی برای او حساب شود. چنین فردی توان دفاع از آموزه‌های تقلیدی را ندارد. ضمن این که در آینده، احتمال از دست رفتن آموزه‌ها و جایگزینی با دیگر عقاید بسیار بالا است.

همان‌طور که گفته شد، اگر قوه تفکر مرتبی در این دوره فعال شود، شرایط برای یادگیری ادب فراهم می‌شود. بنابراین مهم‌ترین کاری که لازم است در این دوره به عنوان مقدمه سایر فعالیت‌ها انجام شود، فعال کردن قوه تفکر در اوست.

یادمان باشد که!

تفکر، حد و مرز دارد و مرتبی نباید به تفکر در امور تعبدی کشیده شود.^۱ کودک در این دوره نباید به دنبال تفکر در چرایی نماز و روزه و امور عبادی برود. لازم است

۱. تفکر در امور تعبدی در هفت سال سوم رخ می‌دهد؛ زمانی که فرد به بلوغ عقلانی رسیده است. در هفت سال دوم، صرفاً پذیرش در امور تعبدی کفایت می‌کند.

متربی با تفکر منطقی و صحیح، بایدها و نبایدهای تعبدی را به عنوان اصول ثابت و قابل اجرای زندگی بپذیرد. برای یک اقدام درست، لازم است تا هر فردی مراحل سه گانه زیر را طی کند:

- خوب و بد را بفهمد و بین آنها تمایز ایجاد کند؛
- آن چه را خوب است انتخاب کند؛
- سپس عمل کند.

برای این که متربی در انتهای دوره دوم رشد کودک، ادب آموخته باشد، باید تا انتهای چهارده سالگی به بلوغ انتخاب کردن؛ یعنی طی کردن دو مرحله از مراحل گفته شده برسد. برای رسیدن به بلوغ انتخاب کردن، لازم است با مفهوم اختیار در این رده سنی آشنا شویم.

اختیار

در این دوران، متربیان نه آن قدر وابسته اند که دخالت در همه امورشان لازم باشد و نه آن قدر غیروابسته اند که بتوان همه چیز را به عهده آن ها گذاشت. آن بخش از امور طفل که در این دوره به خود او واگذار می شود، مجموعه ای از بایدها و نبایدها است که لازم است به او القا شود و متربی خود را ملزم به رعایت آن ها بداند. میزان بایدها و نبایدها باید به اندازه ای باشد که متربی محدوده های رفتاری و گفتاری خود را تشخیص دهد و به تدریج بتواند به جای شنیدن بایدها و نبایدها از جانب مربیان، خود را ملزم به رعایت این بایدها و نبایدها کند.

در این مرحله، بایدها و نبایدهایی که توسط مربی اعمال می شود، باید همان دستورات الهی باشد. اعمال بایدها و نبایدها به رشد عقلی و تفکر منطقی متربی کمک می کند و پذیرش آن ها، به او کمک می کند که بتواند مرحله اطاعت را به خوبی پشت سر بگذارد.



به دلیل این که انسان موجودی دارای عقل است، عقل امکان اختیار را به او می دهد. اختیاری که در حوزه انسان مطرح می شود، به معنای آزادی در عمل نیست، بلکه به معنای توانی است که به عقل او داده شده است تا بتواند امور را به عقل رجوع داده، فایده و ضرر آن را بفهمد و باید و نبایدش را با آن چه مورد رضایت خالق است انطباق و تشخیص دهد.

توان اختیار که شامل انتخاب و تصمیم گیری می شود، در صورتی در مخاطب ما تقویت می شود که شرایطی در درون و بیرون او محقق شود. شرایط درونی، فراهم شدن قوه انتزاع و ایجاد حس مسئولیت است و شرایط بیرونی، ایجاد روحیه خودباوری و اعتماد به نفس است، چراکه فرد ضعیف نمی تواند به تصمیم خود متکی بوده و آن را عملی کند.

ویژگی های دوره دوم رشد

در این دوره، رشد متربی ویژگی هایی دارد که آشنایی با این ویژگی ها برای مربی لازم است، چراکه عدم آگاهی مربی نسبت به این ویژگی ها می تواند اثرات جبران ناپذیری بر جای گذارد. این ویژگی ها به چند بخش یادگیری اجتماعی، میل به عبودیت، حافظه قوی و افزایش محفوظات و میل به شادی در کارها قابل تفکیک است که در ادامه توضیحات هر کدام را به تفصیل ذکر می کنیم.

یادگیری اجتماعی

یادگیری اجتماعی به دو دسته ارتباط گیری و قانون گرایی دسته بندی می شود. ارتباط گیری: به ارتباط متربی با جهان بیرون از خودش اشاره دارد که می توان در این باره به مصادیق زیر اشاره کرد:

- بهره گیری بیشتر از کلام، حتی گفتن خلاف واقعیت؛
- روحیه تقلید پذیری و تأثیر پذیری از حس و لحن دیگران؛

- علاقه مندی؛
- پرسشگری.
- قانون‌گرایی؛
- میل به اجازه‌گرفتن؛
- میل به نظم، هرچند خود منظم نباشد؛
- گرایش به مسئولیت‌پذیری.

در این دوره، در متریبى علقه‌ها و علاقه‌ها شکل می‌گیرد. متریبى به مریبى‌اش، اسباب و وسایلش و والدینش علقه پیدا می‌کند و این علاقه و دل‌بستگی در متریبى دیده می‌شود. با توجه به این ویژگی، مریبى می‌تواند از این فرصت استفاده کرده و به این علاقه‌مندی جهت الهی بدهد تا کودک دل‌بسته به مادیات، ابزار و اسباب نباشد و از این رویه در دوره‌های بعدی استفاده کند. با توجه به علاقه و دل‌بستگی‌های متریبى در این دوره، باید خاطر نشان شد که هرچقدر رابطه عاطفی متریبى با دیگری بیشتر باشد، یادگیری‌اش از آن شخص بیشتر و از او اثرپذیرتر است. (در نبود مریبى، متریبى حرف‌های او را در نظر دارد و برای عمل به آموخته‌ها یک جنبهٔ محافظ پیدا می‌کند.)

در این دوره، متریبىان، پرسشگری را تمرین می‌کنند. اجازه دارند هر سؤالی را بپرسند، اما مریبىان اجازه ندارند تمام سؤالات را پاسخ دهند. سؤال‌هایی باید پاسخ داده شوند که مناسب سن کودک و هماهنگ با علم مریبى باشد.

متریبى در این دوره، نظم را دوست دارد، اما منظم نیست. از مقرراتی که برای آن‌ها گذاشته می‌شود احساس رضایت می‌کند. قانون را دوست دارد. مریبى از این تمایل، می‌تواند برای نهادینه‌کردن نظم و قانون‌پذیری استفاده کند و طرح درس یا فعالیت‌های کلاسی‌اش به گونه‌ای باشد که نظم در نوجوان ملکه شود؛ تا حدی که اگر چیزی منظم نبود و سر جای خودش قرار نگرفته بود، دانش‌آموزان اعتراض

کنند، نه این‌که مربی مدام از بی‌نظمی شاکی باشد یا اگر قانونی در کلاس و هنگام فعالیت‌ها نادیده گرفته شود، شکایت از جانب دانش‌آموزان باشد، نه از سمت مربی.

مربی باید بداند که:

به دلیل ارتباط با متریبان این دوره سنی، باید علاوه بر خوش اخلاقی، ادب و ظاهری شایسته، روحیه خستگی‌ناپذیر و جدی داشته باشد و با سایر افراد روابطی صمیمی و عاطفی داشته باشد، زیرا مربی بعضاً تعاملات اجتماعی را از او می‌آموزد و از او تقلید می‌کند.

هرچه در این دوره به متریبان مسئولیت‌هایی در حد توانایی‌شان بدهیم، به رشد آن‌ها کمک کرده‌ایم، چراکه از این طریق یاد می‌گیرند مسئولیت‌پذیر باشند و از اعتمادی که مربی به آن‌ها کرده است، اعتماد به نفس و شخصیت پیدا می‌کنند و توانایی‌های ذهنی و جسمی‌شان افزایش پیدا می‌کند و مستقل می‌شوند. پس بهتر است مربی به متریبان مسئولیت بدهد، هرچند مسئولیت‌های کم و کوچک. ممکن است چینش پشت سر هم فعالیت‌ها و آموزش مهارت‌ها منجر به پراکندگی ذهنی شود و باعث شود فرد، مدام از شاخه‌ای به شاخه دیگر برود. بنابراین ارتباط بین فعالیت‌های پشت سر هم باید برای مربی واضح باشد تا حس کند در زمان معین، آموزشی معین با هدفی مشخص می‌بیند و یادش باشد که هدف از ورود به این فعالیت، صرف آشنایی مختصر نیست و باید آن را تا رسیدن به هدف دنبال کند.

به دلیل نوپا بودن مربی در این مسیر، لازم است مربی برای برنامه‌ریزی درست و اهمیت دادن او به فرصت‌ها، تا زمانی که ارزش‌گذاری صحیح و برنامه‌ریزی درست در او درونی و نهادینه نشده، با کودک همراهی و برنامه‌ریزی‌های او را ارزیابی و تصحیح کند.

میل به شادی در کارها

یکی از ویژگی‌های بارز مرتبی در این دوره این است که می‌خواهد کارهایش را با شادی پیش ببرد؛ بنابراین از کارهایی حس رضایت بیشتری دارد که سبب شادی بیشتر در او می‌شود. همچنین تمایل دارد فعالیت‌های شاد مثل ورزش انجام دهد. با توجه به این مسئله، مربی باید بداند که با استفاده از این تمایل، ورزش و استمرار در آن را در او نهادینه کند و برای آن برنامه داشته باشد.

گرایش به امور دینی (میل به عبودیت)

در این دوره مرتبی به امور دینی و مذهبی علاقه‌مند می‌شود و آمادگی پذیرش مبانی دینی را به راحتی دارد. بنابراین مربی باید بداند که:

مرتبی را قبل از رسیدن به تکلیف، با فضای عبادی آشنا کند و انجام آن را تا پیش از سن تکلیف با توجه به ظرفیت و توان مرتبی، از او قبول کند و پس از تکلیف نیز توجه داشته باشد که مرتبی تکالیف را انجام دهد. در این راستا مربی باید از برخورد شدید دوری کرده، از سماجت و مخالفت‌های مرتبی خسته نشود و او را به هر نحو در این امر کمک و تشویق کند.

آموزش حلال و حرام الهی از علوم واجبی است که باید از میل موجود در مرتبی در این بازه سنی استفاده کند و این دسته از علوم را به او آموزش دهد.

لازم است مرتبی را به داشتن اهداف و نیت‌های خوب در انجام کارها توجه دهد؛ هرچند که آن کار یا نیت کوچک باشد.

وقتی این میل در او وجود دارد، هر از چندگاهی به فلسفه نماز اشاره کند تا انگیزه او برای نماز خواندن تحریک شود.

لازم است طمع، حسد، بخل و غضب را به عنوان عواملی که باعث ندیدن حقیقت یا اشتباه دیدن است، برای مرتبی توضیح دهد و او را به خودنگری و رفع این عوامل سوق دهد.

یکی از بهترین تعالیم در این دوره، توجه دادن متربی به پروردگار عالم است که منظور، مباحث نقلی نیست. این کار باید با جلب توجه فطری به آفریننده این عالم باشد.

پس از آشنایی دادن متربی نسبت به مقام و موقعیت اعضای بدن، استفاده از آن را در جهت بندگی و عبودیت مطرح کند. بیکار گذاشتن یا استفاده نادرست از هر عضو، موجب ناشکری و باعث تعطیلی آن عضو است و هریک از اعضا در سعادت و شقاوت فرد تأثیر دارند و هر عضو، حقوقی دارند. آموزش در این رابطه به صورت غیرمستقیم و با تدبیر انجام می شود.

حافظه قوی و افزایش محفوظات

همه، شعر و سرود، قرآن و روایتی را که در این بازه سنی شنیده اند، به خاطر می آورند و این خودش مؤید این نکته است که در این دوره، حافظه متربی آماده پذیرش مباحث و محفوظات است. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «در هفت سال دوم، ذهن بچه را پراز حرف های ما و قرآن کنید که جایی برای حرف های غلط دیگران باقی نماند.» در این دوره، هرچه کودک با قرآن، احکام و روایات آشنا شود، در دوره های بعدی می تواند از آن ها استفاده کند. پس مربی باید بداند: به دلیل حافظه قوی متربیان در این دوره، توانایی به خاطر سپردنشان بالا است و در صورتی که آیات قرآن و احادیث را در این دوره حفظ کنند، می توانند از این مباحث در دوره بعدی برای فهم بهتر استفاده کنند.

دقت

دقت کودک در این دوره کم است؛ یعنی می بیند، ولی نگاه نمی کند^۱، می شنود،

۱. عمل دیدن، واکنشی طبیعی و خودبه خود است که عضو بینایی در مقابل انعکاس نور از خود نشان می دهد؛ درحالی که انسان، عمل نگاه کردن را به طور ارادی و با دقت برای مقصود و هدف خاصی انجام می دهد. در عمل دیدن، انسان به طور طبیعی، رنگ، شکل، جهت، بافت، بُعد و حرکت اشیا را به وسیله پیام های بصری دریافت می کند؛ درحالی که در نگاه کردن، علاوه بر دیدن اشیا، به روابط، تناسب، تفاوت و... بین آن ها دقت می کند.

ولی گوش نمی‌کند^۱ و... مربی وظیفه دارد با تکیه بر طرح درس‌ها و فعالیت‌های کلاسی، کودک را به سمت افزایش دقت در موارد توصیه‌شده سوق دهد و دقت کودک را نسبت به اطرافش بالا برد. بر این اساس، مربی باید بداند که توجه به مراتب و جایگاه‌ها، ارجحیت و سایر ویژگی‌ها باعث افزایش دقت در مرتبی می‌شود. پس برای افزایش دقت، می‌تواند از توجه دادن او به مراتب، جایگاه‌ها و... استفاده کند.

مراحل و موارد آموزشی

همان‌طورکه گفتیم، در این دوره از رشد لازم است مرتبی به استقلال در انتخاب یا همان اختیار برسد؛ مسئولیت‌های خود را تشخیص داده و به عهده بگیرد. برای این منظور لازم است در مرتبی موارد زیر تقویت شود:

- تقویت قدرت انجام و ترک کارها و گرفتن تصمیم؛
- تقویت قوای جسمی و سلامت عمومی؛
- توجه به اعضای بدن و مراتب و وظایفشان؛
- بهره‌گیری از علم، ادب، تجربه و قدرت؛
- وقت‌شناسی؛
- قدرت شناخت حکم خدا در امور مختلف؛
- ارجحیت، کشف مراتب و جایگاه.

تقویت قدرت انجام و ترک کارها و گرفتن تصمیم

در این دوره، مخاطب باید بتواند بین خوب و بد، حق و باطل و خیر و شرک در نهایت به انتخاب و تصمیم‌گیری منجر می‌شود، تمایز ایجاد کند. مرتبی باید در مواردی خودش انتخاب‌گر باشد (هرچند اندک) و مسئولیت کار خود را بپذیرد.

۱. شنیدن، تنها یک فرایند فیزیکی و جسمی بوده و گوش دادن، یک فرایند ذهنی است.

لازم است مربی روحیه شجاعت در انتخاب و رجوع علمی را به مربی القا کند. همچنین مفاهیمی چون قضا و قدر، مشیت الهی، رضایت و محبت خدا را در مربی نهادینه کند.

تقویت قوای جسمی و سلامت عمومی

لازم است در این مرحله، فکر و توجه مربی نسبت به خلقت و سلامت خودش حساس شود و خلقت خود را بیهوده نداند، چراکه هر قدر موضوع هدف و مقصد زندگی برای انسان مهم شود، خلقت و سلامتی نیز برای او مهم می شود و کیفیت آن مورد توجه قرار می گیرد. برای تقویت سلامت و قوای جسمی، توجه دادن مربی به موارد زیر می تواند مؤثر واقع شود:

۱. به دست آوردن تجربه و یادگیری کار و حرفه متناسب با ذائقه نوجوان در کنار پرداختن به برنامه های تفریحی و ورزشی.
۲. آموزش فعالیت هایی که مربوط به مهارت های دستی و ورزشی است.
۳. توجه دادن به هر چیزی که بر سلامتی و تقویت قوای جسمی اثرگذار است.

توجه به اعضای بدن و مراتب و وظایفشان

آشنایی با اعضای بدن به صورت ریز و جزئی، سبب مطلع شدن از کارکرد آن ها و به کارگیری صحیح از هر عضوی می شود.^۱ براساس کارکرد، اعضای بدن به چند دسته تقسیم می شوند:

- ورودی های ادراکی: حواس پنج گانه؛
- اعضای محقق کننده حرکت: دست و پا؛
- اعضای پردازش کننده اطلاعات و حفظ آن ها: مغز و حافظه؛
- اعضای ارتباط دهنده با دیگران: مانند زبان و دلب؛
- اعضای ارتباط دهنده به غیب و مرکز ایمان: قلب.

۱. برای فهم بهتر وظایف اعضا و کشف مراتب بین آن ها می توانید به کتاب توحید مفضل مراجعه کنید.

بهره‌گیری از علم، ادب، تجربه و قدرت

این دوره، دوره شکل‌گیری نظام آموزشی در مرتبه‌ای است که باید به‌خوبی و درستی شکل گیرد. لازم است آموزش‌هایی که در این دوره داده می‌شود، بر مبنای فعال‌کردن تفکر باشد و حتماً به‌نحوی باشد که جهت الهی پیدا کند و آخرت‌مدار باشد. همچنین لازم است مربیان، خود به آموزش‌هایی که انجام می‌دهند عمل کنند تا اثرگذاری و اثرپذیری آن بیشتر شود. در نظر داشته باشید که آموزش کتاب و کتاب‌خوانی، پایه یادگیری و تجربه‌آموزی است. همچنین قرآن به‌عنوان کامل‌ترین کتاب، راهگشا و راهنما است.^۱ با توجه به اهمیت علم‌آموزی، توجه به موارد زیر در آموزش‌ها می‌تواند به مربی کمک کند:

- تنوع در موارد آموزشی (هنری، فرهنگی، جسمی و...)
- تشویق در نشست و برخاست با عالمان و اهل علم؛
- تشویق به علم‌آموزی در علوم نافع برای دیگران و جامعه؛
- آموزش حلال و حرام الهی؛
- آموزش قرآن، احکام و روایات؛
- توجه دادن به استفاده از تجربیات دیگران؛
- آموزش نحوه برقراری ارتباط صحیح و قوانین ورود به جامعه؛^۲
- آموزش برخی مفاهیم نیک به کمک آموزش ضد همان چیز؛
- فعال‌کردن روحیه پرسشگری.

وقت‌شناسی

اهمیت موضوع وقت، وقت‌شناسی و عمر، از جمله مواردی است که باید به‌تدریج به مرتبه‌ای آموزش داده شود تا او را در برنامه‌ریزی و اهمیت‌دادن به فرصت‌هایش یاری کرد. از این موضوع نباید غفلت کرد و در آموزش‌های مرتبط با وقت می‌توان به موارد زیر توجه داشت:

۱. در رابطه با آموزش قرآن به نوجوان، می‌توانید به جزوه نورباران از بسته اطاعت مراجعه کنید.
 ۲. به جزوه مهارت‌های زندگی جمعیت امام حسن علیه السلام مراجعه شود.

۱. توجه به هدفمند بودن فعالیت‌ها

بیهوده سپری کردن فرصت‌های عمر، به تدریج در این دوره ظهور می‌یابد و زندگی فرد را از جهت دار بودن خارج می‌کند. بنابراین در این دوره، فعالیت‌ها نباید القای بیهودگی کند.

۲. توجه به زمان‌دار بودن فعالیت‌ها در برنامه‌ریزی‌ها

لازم است در این دوره به متربی زمان‌دار بودن فعالیت‌ها القا شود. این القا ولو در بازی‌ها و تفریحات، موجب القای اهمیت زمان و محدود بودن استفاده از آن می‌شود.

۳. توجه به زمان‌های خاص و بزرگ

توجه دادن به زمان‌های خاص و بزرگ جلوه‌دادن این زمان‌ها، موجب بالا رفتن توان تمایزدهی بین زمان‌های مختلف می‌شود؛ مانند شب قدر، شب و روز جمعه، ماه رمضان و... .

۴. آموزش برنامه‌ریزی

در این سن، متربی قادر نیست برای مدیریت زمان خود به تنهایی برنامه‌ریزی کند. بنابراین لازم است برنامه‌ریزی و مطالب مرتبط با آن به متربی آموزش داده شود.

توجه‌دادن به اوقات نماز

اگر حین فعالیت‌ها وقت نماز فرا برسد و مربی مدام فرارسیدن وقت نماز را با ظرافت‌هایی به متربی یادآور شود، اهمیت این مسئله در آینده در ذهن او خواهد ماند.

قدرت شناخت حکم خدا در امور مختلف

این موضوع که به کمک باید‌ها و نبایدهای دینی و موارد ذکرشده انجام می‌شود، باید سرلوحه همه فعالیت‌ها قرار گیرد. این موضوع سبب می‌شود مخاطب با توجه به فعالیت‌ها و رفتارهای مربی، حکم خدا را بشناسد و در زندگی به‌کار گیرد.

ارجحیت، کشف مراتب و جایگاه

با توجه به شکل‌گیری قوه تفکر، مربی باید کمک کند تا مربی، مراتب و جایگاه اعضای هستی (افراد، بدن، طبیعت و...) را کشف کند و بتواند در تصمیم‌گیری‌ها ارجحیت قائل شده و بهترین گزینه را انتخاب کند. مربی باید مرتبی را به سمت کشف مراتب و ترجیح در ارتباطاتش سوق دهد؛ به این معنا که جایگاه و نقش افراد را کشف کند تا بتواند در برقراری رابطه ارجحیت قائل شود. (مثلاً اولویت دادن به پدر و مادر در مقابل دوستان).

برای آموزش نکاتی که پیش‌تر گفته شد، مربی باید نکات زیر را به‌عنوان روش‌های تحریک و فعال‌کردن قوه اختیار در نظر داشته باشد:

مربی باید به بچه‌ها بیاموزد برخی چیزها مهم هستند و برخی چیزها مهم‌تر. برخی چیزها بد هستند، برخی چیزها بدتر؛ مثلاً پول داشتن مهم است، ولی حلال بودن آن مهم‌تر و... در نتیجه آخرت‌گرایی به‌عنوان نفع بالاتر در مقابل دل‌خوش‌کردن به نعمت‌های دنیا باید در صدر آموزش‌ها باشد؛ البته بیان آن باید متناسب سطح فکری او باشد.

مربی باید درک و تجربه کند که در زندگی نمی‌توان به همه هدف‌ها رسید و گاه برای رسیدن به منفعتی باید از منفعتی گذشت یا برخی ضررها را برای رسیدن به منفعت‌های بالاتر تحمل کرد؛ به‌عنوان مثال برای کسب نمره بالا در امتحانات آخر سال، باید از برخی تفریحات خود بگذرند.

مربی باید به مربی امکان انتخاب بین گزینه‌های مختلف را بدهد و پیامد هر یک را برای او توضیح داده و او را به لزوم انتخاب بالاتر توجه دهد. در همین راستا، مربی باید با پیش‌رو قراردادن فرصت انتخاب بین گزینه‌های مختلف (حتی گزینه نادرست ولی با ترسیم تبعات آن) که هر یک دارای نفع و ضررهایی هستند، زمینه شکوفایی تفکر و انتخاب را در او بالا ببرد. در فرایند توجه دادن مربی به گزینه بهتر، نباید فقط بر انتخاب‌های خوب تکیه کرد، بلکه باید گزینه‌های بد و خوب را در کنار هم آورد و با بالابردن توان عاقبت‌نگری و مقایسه عاقبت هر گزینه، تفکر او را تقویت کرده و زمینه انتخاب بهتر را فراهم کرد. وسوسه - که در عمل به خیر، انسان را دچار تردید می‌کند - را به مربی بشناساند. از میان چند گزینه، به بچه‌ها امکان انتخاب بدهد. مانند این که اول کدام فعالیت را انجام دهیم و

جمع‌بندی نکات ناظر به مربی

۱. گاهی بین دو گزینه حق انتخاب دارد؛ برای مثال انجام گناه یا ترک آن.
۲. گاه برای انجام دادن یک کار، حالت‌های مختلفی داریم و انتخاب برتر، آن است که بهترین آن حالت را انتخاب کنیم.
۳. گاه گزینه برتر، هم دارای ضرر و هم نفع است که باید هم نفع و هم ضرر آن سنجیده شود، سپس براساس ملاک‌های عقلی، انتخاب صورت گیرد.
۴. با ایجاد شرایط تفکر و مقایسه صحیح در موقعیت بازی یا پس از تعریف داستان یا نمایش‌نامه‌ای، توجه مربی را به مقایسه رفتار و عاقبت دیگران و مقایسه داشتن نعمت و فقدان آن جلب کرده و از امر و نهی‌های بیجا و مجاب کردن او برای اجرای نظر مربی و توجه کردن به معیارهایی که ناخواسته به او القا می‌شود، دوری کند.
۵. به مربی کمک کند تا مراتب اعضای بدنش را کشف کند؛ به عنوان مثال بگوید اگر چشم نداشتم، اگر گوش ... اگر قلب ... اگر مغز ... چه می‌شد؟ کدامیک مهم‌تر است؟

۶. ارجحیت برخی اعضا بر برخی دیگر را به متربی آموزش دهد؛ مانند جایگاه قلب در بین سایر اعضا به این صورت که هرکدام از اعضای دیگر اگر نباشند، حیات از بین نمی‌رود، اما از کار افتادن قلب، مرگ فرد را در پی خواهد داشت. از بُعد معنوی هم قلب انسان محور تعاملات غیبی او و مرکز توجهاتش است. کمک کند تا متربی، مراتب و ترجیح در مخلوقات هستی را کشف کند. برای این کار از او بخواهید که مواردی را تحت اولویت ذهنی خود بچیند؛ مانند غسل، زنبور، گل و...

۷. به متربی در فهم مراتب و ترجیح در ارگان‌های مختلف جامعه و فهم سلسله مراتب مسئولیت‌ها کمک کند. این فهم را می‌توان از نهاد خانواده و جایگاه هریک از اعضای آن (بالأخص پدر خانواده) شروع کرد.

۸. بالابردن توان تفکر و ارجاع به طیف وسیع صفت‌های انسانی؛ برای مثال، مردم به دو دسته متقی و شرور تقسیم نشده‌اند و بین این دو، هزاران طیف است.

نوجوانی

سنین نوجوانی برای همه - به‌ویژه خود نوجوان - قابل توجه است. نوجوان به سنی قدم گذاشته که رشد سریع جسمی، تغییرات فیزیولوژیک و روانی سبب می‌شود افکار و رفتار فرد، حالت تازه‌ای به خود بگیرد و دل‌نگرانی‌هایی برای نوجوانان و مربیان ایجاد کند. این دل‌نگرانی‌ها می‌تواند متربیان را تا حد بحران پیش ببرد، چراکه سرعت رشد و زندگی آرام آن‌ها یک‌باره دگرگون شده و در بازه زمانی کوتاهی گویا خود را در میان اقیانوسی پرتلاطم از اتفاق‌های جدید ریز و درشت می‌بینند که ممکن است عکس‌العمل‌های مناسبی از خود نشان ندهند و نیاز به کمک مربی مورد اعتمادشان داشته باشند. از طرفی اگر مربی با این دوران و اقتضائات ناشی از بلوغ و تغییرات موجود جسمی و روحی آشنا نباشد، ممکن است به بیراهه برود و نوجوان را در آن اقیانوس پرتلاطم، غرق مسائل بی‌اولویت و

خطاهای شناختی خود کند و این اشتباهات در آن زمان قابل جبران نیست. نظر به اهمیت این موضوع در این فصل سعی بر این است که به برخی از مهم‌ترین دل‌نگرانی‌های نوجوانان پرداخته و بعضاً راهکارهایی مناسب با مریبان گروه‌های جهادی در اختیار جهادگران عزیز قرار دهیم. غالب مسائلی که لازم است تا مربی بدانند را می‌توان ذیل آشنایی مربی با بحران هویت‌های ایجاد شده برای نوجوان دانست؛ از این‌رو ابتدا به بررسی این مسائل می‌پردازیم.

هویت

هویت یعنی حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. هویت نوجوانان ابتدا باید در خانواده و سپس در اجتماع شکل بگیرد. افراد برای آن‌که در دوران نوجوانی هویت مستقلی کسب کنند، باید دوران کودکی خوبی را پشت سر گذاشته باشند تا ورود به نوجوانی، آسیب کمتری همراه داشته باشد. نوجوان با در نظر گرفتن تجربیات گذشته و قبول تحولات بلوغ، می‌خواهد هویت خویش را از نو بازسازی کند. در این دوره اگر نوجوان نتواند هویت خود را به صورت تدریجی با وضعیت رشد خود منطبق کند، دچار بحران هویت خواهد شد. بحران هویت باعث خواهد شد که طوفانی درون نوجوان ایجاد شود و با انواع تردیدها و سردرگمی‌ها روبه‌رو گردد. عواطف نوجوان ثابت نیست؛ زود خوشحال می‌شود و به سرعت در غم و اندوه فرو می‌رود، تنهایی و حضور در خلوت را ترجیح می‌دهد و... البته نباید فراموش کرد که این امر در آن‌ها چندان بادوام و ریشه‌دار نیست و به تدریج، عواطف، احساسات و خواسته‌هایشان جهت می‌گیرد. برخورد سالم متولیان امر با این بحران می‌تواند تا حد زیادی در فروکش کردن آن دخیل باشد.

در ادامه برای واضح‌تر شدن موضوع به تعریف انواع هویت می‌پردازیم و برخی از رفتارهای غیرطبیعی نوجوان‌ها را ذیل نبود هر کدام از هویت‌ها جهت آشنایی با اذهان بیان می‌کنیم. آشنایی با این مسائل به مربی کمک می‌کند تا هنگام

رویاری با مصادیقی از این دست، بتواند آرامش خود را حفظ کند و بداند که مسائلی این چنین از کجا نشأت می‌گیرند. اقسام هویت:

۱. هویت فردی

منظور از هویت فردی، شناخت توانایی‌ها، قابلیت‌ها و ویژگی‌های رشد و تحول و نیازهای اساسی روان است که لازم است این شناخت ویژگی‌ها به صورت تدریجی برای نوجوان محرز شود تا بتواند گام به گام خود را با شرایط جدید وفق دهد.

مثالی از رفتار غیرطبیعی: پسران نوجوان در جستجوی آن هستند که هرچه سریع‌تر بزرگ شده، خود را در جرگه مردان ببینند. به عبارت دیگر، می‌خواهند به عنوان مرد شناخته شوند. آن دسته از نوجوانانی که می‌توانند به صورت متعادل و تدریجی هویت خود را ببینند، معمولاً رفتاری متعارف و جامعه‌پذیر می‌یابند، اما گروهی که نمی‌توانند چنین هویتی برای خود به دست آورند، دچار سرگردانی و آشفتگی می‌شوند و به این دلیل که خود را حقیقتاً پرمحتوا نمی‌بینند، سعی می‌کنند نقش‌های ظاهری مردانه را از خود بروز دهند. کشیدن سیگار و تراشیدن صورت، از جمله رفتارهایی است که پسران سعی می‌کنند به کمک آن، مرد شدن خود را نشان دهند.

۲. هویت اجتماعی

به نقش‌ها و وظایف اجتماعی یک فرد و انتظارات جامعه از وی، هویت اجتماعی می‌گویند. عکس‌العمل‌های او در مقابل جامعه نیز حول این هویت قابل بررسی است. موضوع اصلی در این بخش، رابطه نوجوان با دیگران و سیر تدریجی او از حالت وابستگی دوران کودکی و غرق بودن در خانواده، به سوی ارتباط با دنیای خارج از خانواده است. در واقع از جامعه‌پذیری کوچک که در خانواده اتفاق افتاده، به سمت جامعه‌پذیری بزرگ‌تر پیش می‌رود.

مثالی از رفتار غیرطبیعی: بعضاً دو حالت متضاد در سنین نوجوانی پدید می‌آید؛ حالت تقلید و حالت ضد تقلید. نوجوانان از یک سو علاقه دارند از دوستان و قهرمانان مورد علاقه خود تبعیت و تقلید کنند، مثل آن‌ها بگویند، بپوشند و لباس بپوشند و از سوی دیگر می‌خواهند مستقل، آزاد و صاحب رأی باشند. این دو حالت در زمان‌ها و شرایط مختلف در آنان به چشم می‌خورد. نوجوان با همه نیاز و اصراری که به تقلید دارد، می‌کوشد خود را از تقلیدهای گذشته برهاند و چون برای استقلال، آمادگی لازم را ندارد، می‌کوشد تا بین تقلید و استقلال سازش ایجاد کند. در این راه، ناشی‌گری نشأت‌گرفته از بی‌تجربگی او کاملاً مشهود و محسوس است. آن‌ها در تقلید یا ضد تقلید، مثنی ثابتی ندارند و گاه در رفتارشان موازنه تقلید و ضد تقلید به هم می‌خورد و این امر به صورت یک حالت افراطی مخالف با آداب و سنن بزرگسالان بروز می‌کند.

در این دوره، زندگی با جمع و گروه برای او معنی‌دار می‌شود و در شروع، ممکن است ساعت‌های متمادی از اوقات فراغت خود را صرف معاشرت و صحبت با دوستانش کند و از هردری با آن‌ها سخن بگوید؛ بدون این‌که از گذر زمان آگاهی یابد. گاه پیش می‌آید که والدین و مربیان باید به او هشدار دهند که وقت، از حد معین گذشته است.

دوستی‌ها در این دوره براساس نیاز اجتماعی شکل می‌گیرد. معمولاً نوجوان به دوستان خود وفادار است؛ تا جایی که هیچ انتقادی را درباره دوستانش نمی‌پذیرد.

در غالب موارد، گروه‌های همسالان و دوستان نوجوان به قدری در حیات او نقش دارند که والدین برای القای نظر خود از دوستان او استمداد می‌جویند. یکی از دلایل دوستی‌ها و رفاقت‌هایی که منجر به پناه‌بردن به گروه هم‌سالان در این دوره می‌شود، مشابهت مشکلات آنان است. بنابراین بودن در کنار آنان و بیان راز دل به دوستان، سبب آرامش روحی و تقلیل کشمکش‌های روانی می‌شود.

۳. هویت خانوادگی

منظور از این هویت، تعیین نسبت میان نوجوان و خانواده او و پیوندهای طرفین است. باید به این مسئله توجه داشت که پذیرش فرزند از سوی والدین، پایه مقبولیت اجتماعی را استوار می‌سازد. چنانچه والدین بدون توجه به عواملی مانند جنسیت (دختر یا پسر بودن)، استعداد و هوش، وضعیت چهره و ظاهر، تحرک و پویایی اجتماعی و نیز رتبه و تربیت تولد، فرزندان را بپذیرند و او را همان‌گونه که هست قبول داشته باشند، در حقیقت بر هویت خانوادگی او مهر تأیید زده‌اند و در این صورت او اطمینان پیدا خواهد کرد که مورد محبت و علاقه خانواده است و محبوب شدن را از این طریق تجربه می‌کند. در صورتی که این اتفاق رخ ندهد، به علت دوری از خانواده، وابستگی‌شان به گروه هم‌سال بیشتر می‌شود؛ کمبود مهر خود را با انس با دوستان و مهرطلبی‌های مرموزشان جبران می‌کنند.^۱

۴. هویت دینی

رابطه آدمی و نحوه تعقلش در دین، هویت دینی را تشکیل می‌دهد که نتیجه آن، احساس مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورهای دینی است.

۵. هویت ملی

معرفت و آگاهی عمیق آدمی به تمدنی که منسوب به آن می‌باشد، هویت ملی یا تمدنی نام دارد. درک چنین هویتی به فرد این امکان را می‌دهد که احساس نماید در سرزمینی زندگی می‌کند که ریشه‌های فرهنگی آن تا اعماق تاریخ کشیده شده است و این احساس، باعث تعلق و ارتباط به آن تمدن و در نتیجه شکل‌گیری «هویت تمدنی» می‌شود. احساس تعلق به یک تمدن یا ملیت،

۱. در این باره ممکن است مصادیق غیرطبیعی را شاهد باشیم؛ به عنوان مثال، گاه نیز در دوستی افراط می‌ورزند و برای اثباتش، خود را به زحمت می‌اندازند. حتی گاهی بدنشان را می‌سوزانند و زخمی می‌کنند.

به معنای وابستگی به تمامی مظاهر آن ملیت از جمله مشاهیر، افتخارات، میراث‌ها و ارزش‌های آن می‌باشد.

۶. هویت جنسی

شناخت جنسیت خود و تفکیک بین مرد و زن بودن به واسطه نقش‌آفرینی هرکدام، هویت جنسی در نظر گرفته می‌شود. از این حیث باید هویت مردانه و زنانه را برای دختران و پسران جامعه ترسیم کرد و ویژگی‌های یک دختر یا زن موقر و شایسته و همچنین خصوصیات یک پسر و مرد مطلوب را به آنان شناساند. یک نوجوان درباره جنسیت خویش و نقش‌های مربوط به آن باید به تصور روشنی برسد. پسر باید خصوصیات یک مرد را بشناسد، دختر نوجوان نیز باید درباره مشخصات یک زن به تصویر روشنی برسد. در این میان، وظایف یک پسر و یک مرد در مقابل یک دختر و یک زن و بالعکس نیز از اجزای این هویت‌یابی است.

نوجوان و جنسیت

یکی از مهم‌ترین تمایزهای بین کودکی ثانویه و نوجوانی، در بلوغ جنسی است. نوجوان به تبع تغییرات ناشی از بلوغ، با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شود. اطرافیان شاهد نشانه‌های ظاهری و خود نوجوان علاوه بر آن‌ها به دلیل شروع تفکر انتزاعی، دچار دغدغه‌های فراوانی می‌شود. تغییرات شدید در تیپ بدن ممکن است برای نوجوان آزاردهنده باشد. همچنین به علت امکان بیداری غریزه جنسی (در جامعه امروزی) در نوجوان، لازم است مریبان با مسئله تعدیل و کنترل این غریزه آشنایی داشته باشند و با آگاهی و بردباری در ارتباط با نوجوانشان، می‌توانند آن‌ها را در گذار از این دغدغه‌ها کمک کنند.

بلوغ جنسی

هرچه بر رشد جسمانی انسان افزوده شود، فعالیت هورمون‌های جنسی وی فراتر می‌رود. این فرایند همچنان ادامه می‌یابد تا جایی که صفات ثانویه جنسی در فرد پدید آید و به تدریج بروظایف رشد جنسی توانا شود. زمانی که انسان به این مرحله از رشد برسد که آمادگی انجام دادن وظایف جنسی را داشته باشد، گفته می‌شود به بلوغ جنسی رسیده است. از بُعد جسمانی و فیزیولوژیک، بلوغ جنسی با ترشح غدد جنسی و ظهور ویژگی‌های ثانویه جنسی از قبیل رویش موهای زاید و فعالیت غدد عرق زیر بغل و برخی آثار اختصاصی دو جنس مشخص می‌شود. پسران با احتلام و دختران با شروع قاعدگی به این مرحله از رشد قدم می‌گذارند.^۱ مسئله بلوغ جنسی و ارتباط آن با فعالیت‌های جهادی در چند دسته قابل بررسی است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. راه‌های جلوگیری از لغزش‌های جنسی؛
۲. درمان لغزش‌های موجود؛
۳. تربیت جنسی در این بازه سنی.

الف. راه‌های جلوگیری از لغزش‌های جنسی

۱. ازدواج

از منظر دین اسلام، وجود شهوات در انسان مذموم نیست و نیازی به سرکوب کردن آن نیست. (چنانچه همواره در طول تاریخ برخی بر این باور بودند که باید اساس نیازهای طبیعی و امیال طبیعی را در انسان از بین ببرند تا بتوانند زمینه الهی زندگی کردن را فراهم کنند) لازم است انسان در جریان حرکت خود

۱. نوجوانان از نظر سنی مانند هم به بلوغ نمی‌رسند، بلکه با هم اختلاف دارند و این اختلاف به عوامل متعددی مانند شرایط آب‌وهوایی محل زندگی فرد، وضعیت جسمانی او و در مواردی به عوامل فرهنگی (رسانه‌های صوتی- تصویری، مطبوعات، کتب و مجلات، نوع تربیت خانواده‌ها و...) که می‌توانند موجب بلوغ زودرس شوند بستگی دارد. در برخی از نوجوانان، در اثر عوامل وراثتی یا تغذیه و اوضاع طبیعی- به‌ویژه عوامل روانی و اجتماعی- دچار اختلال می‌شود و یا زودتر از موعد طبیعی شروع می‌گردد و پدیده بلوغ زودرس و دیررس را به وجود می‌آورد.

در زندگی، توان و قدرت امیال طبیعی (شهوات) را به درستی مدیریت کرده و بدین ترتیب این توان طبیعی را به سمتی ملکوتی سوق بدهد که به واسطه آن، همین گرایش طبیعی موجب تجلی اسماء الهی شده و نتیجه و ثمره‌ای ماندگار و آخرتی ایجاد نماید.

با توجه به آیات و روایات متعددی که در فقه وجود دارد، واضح و مبرهن است که اصل اول در مورد نیازهای طبیعی (مانند خوردن، آشامیدن و نیاز جنسی) ارضا است و عدم آن؛ یعنی سرکوب، کنترل و تعدیل آن‌ها، اصل ثانوی به حساب می‌آید. دسته‌ای از روایات به جوانان خطاب می‌کند که در صورت توانایی، ازدواج کنید و اگر نمی‌توانید، غریزه جنسی را مهار نمایید؛ مانند این روایت پیامبر که فرمودند:

ای گروه جوانان! هرکس توان ازدواج دارد، ازدواج کند، زیرا ازدواج موجب چشم‌پوشی و نگه‌دارنده انسان از آلودگی جنسی است.

با توجه به اهمیت ازدواج، مریبان جهادی باید توجه داشته باشند که حین مشاوره‌ها و صحبت‌های دوستانه، به هیچ‌وجه به بهانه‌های بعضاً پوچ و واهی، اولویت و توجه به ازدواج را در ذهن نوجوان جا به جا نکند تا با گذشت زمان، ازدواج به موقع صورت گیرد.

۲. کنترل نفس

اما در شرایطی که ازدواج برای مخاطبان ما شدنی نیست، باید به فکر پیشگیری بود. امام کاظم علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «پیشگیری، در راس همه دارو و درمان هاست.» پیامبر نیز می‌فرمایند: «پیشگیری اصل و اساس درمان است.»^۱ خداوند در قرآن، افرادی را که امکان ازدواج ندارند به عفاف دعوت کرده است.^۲

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۱۴۲: «الحمّة رأس الدواء».
 ۲. نور، آیه ۳۳: «ولیستعفف الذین لایجدون نکاحاً حتی یغنیهم الله من فضله».

از این دعوت معلوم می‌شود که انسان در برابر هجمه‌های شهوات توانمند است و لازم است این توان را در خود شکوفا کند.

با توجه به این که در دوره نوجوانی، بیان صریح و مستقیم راهکارهایی که در رابطه با تعدیل غریزه جنسی وجود دارد، خود می‌تواند باعث کنجکاوی و بیدار شدن غریزه جنسی نوجوانان شود، پیشنهاد می‌گردد که مربی دستوراتی که در ادامه آورده می‌شود را وارد سبک زندگی نوجوانان کند و از علت رعایت این مسائل حتی الامکان به صورت صریح حرفی نزند.

۳. روزه‌داری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می‌فرمایند: ای جوانان! بر شما باد که ازدواج کنید؛ اگر نمی‌توانید، بر شما باد که روزه بگیرید، زیرا روزه، شهوت مباشرت را ضعیف می‌کند.

از عثمان بن مظعون نقل شده به پیامبر عرض کردم که می‌خواهم خود را خواجه و از نظر جنسی ناتوان کنم، حضرت فرمودند: چنین نکن ای عثمان، زیرا خود را از توان جنسی انداختن امت من، به وسیله روزه است.^۱

با توجه به این احادیث، بهتر است که مریبان جهادی بدون پرداختن مستقیم به علت روزه‌داری، به طرق مختلف، مخاطبان خود را تشویق به روزه‌داری کنند.

۴. ورزش

یکی از راه‌های آرام کردن طوفان غریزه جنسی در انسان، ورزش و فعالیت‌های بدنی است، زیرا ورزش، مقدار زیادی از انرژی‌های فکری و جسمی انسان را به خود اختصاص می‌دهد و طبعاً از مسائل دیگر کم می‌کند. پس مربی می‌تواند با تشویق نوجوانان به ورزش، طوفان غرایز جنسی را از این طریق نیز مهار نمایند.

۱. محمد بن حسن الحر العاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۷۸.

۵. توجه به نوع لباس

لباس تنگ، بسیار نرم و یا زبر بودن لباس زیرین، به ویژه هنگام خواب هم از نظر بهداشتی زیان آور است و هم محرک غریزه جنسی است. مربی می تواند عدم استفاده از این لباس ها را نیز به صورت غیرمستقیم وارد سبک زندگی نوجوان کند.

۶. توجه به بستر خواب

همچنین مربی باید بداند که بستر خواب نباید زیاد گرم و نرم باشد. اگر بستر خواب زیاد گرم و نرم باشد، زمینه بیشتری برای نوجوان و جوانی که در مرحله بحران جنسی به سر می برد فراهم می کند تا به خودارضایی بپردازد.

۷. عدم پرخوری در غذاهای شهوت زا

استفاده از ادویه جات و غذاهایی مانند تخم مرغ، موز، پیاز، زعفران و... غریزه جنسی را تحریک می کند. تشویق به عدم استفاده بی رویه از این غذاها می تواند جزء آموزش های مربی قرار گیرد.

۸. ایجاد مشغولیت فکری

پرکردن وقت های آزاد، برای باقی نماندن زمانی برای افکار بی ثمر جنسی. امام علی علیه السلام می فرمایند: فکر و خیال خود را مشغول انجام امور کنید؛ قبل از آن که خیال، شما را مشغول گرداند.

۹. تشویق به حضور در بین جمع و در هوای آزاد

بهتر است مربی، حین برگزاری کلاس ها حتی الامکان جوان را تشویق کند تا در بین جمع و در هوای آزاد باشد و در ادامه سعی کند جمع گرایی را وارد خصوصیات نوجوان نماید. بالأخص بودن در جمع خانواده و عدم تنهایی و خلوت با خود.

۱۰. کنترل نگاه

مربی باید کنترل نگاه به نامحرم را به نوجوانان آموزش دهد. برای این که نیاز نباشد از علت این مسئله صحبتی کرده و مقدمات کنجکاوی و بیداری غریزه جنسی نوجوان را ایجاد کند، می‌تواند با آموزش آیه **﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...﴾**^۱ وارد این مسئله شود.

امام علی علیه السلام فرمود: فرو بستن چشم‌ها (از نامحرم)، بازدارنده خوبی از شهوت‌ها و خواهش‌های نفسانی است.^۲

۱۱. سخن مناسب گفتن

عدم به‌کارگیری الفاظ و کلماتی که به‌گونه‌ای در برگیرنده مسائل و مناسبات جنسی هستند، در این بخش حائز اهمیت است. مربی باید با استفاده از تمرین‌های مراتب اعضای بدن، متربی را به استفاده درست و رعایت حق زبان تشویق کند که یکی از حقوق زبان برانسان، عدم به‌زبان آوردن چنین سخنانی است.

۱۲. تقویت ایمان

پرورش اخلاقی و ایمانی، موجب حفظ انسان از خطر انحراف و لغزش‌ها شده و در تأمین سعادت او مؤثر است. از طرفی در دوره نوجوانی، همان‌طور که در جزوه اصول تأدیب توضیح داده شد، فرد به معنویت و مذهب گرایش فطری پیدا می‌کند. این مسئله بهترین فرصت برای مربی جهت پرورش اخلاقی و ایمانی متربی است.

۱. نور، آیه ۲۰؛ به مردان باایمان بگو که چشمان خود را (از آن چه دیدنش حرام است) فرو بندند و عورت‌های خود را (از این که در معرض دید قرار گیرد) حفظ کنند. این برای آن‌ها پاکیزه‌تر است. همانا خداوند از آن چه انجام می‌دهند، آگاه است.

۲. غرر الحکم، ص ۳۹۴.

۱۳. نماز

«ان الصلاة تنهي عن الفحشاء والمنكر»

در روایات است که روزی به پیامبر گرامی اسلام گفتند که فلان جوان گناهان زیادی می‌کند. حضرت پرسید: آیا نماز هم می‌خواند؟ گفتند: بله. حضرت فرمود: روزی این نماز او را از بدی‌ها دور می‌کند. مری باید تلاش کند تا متری نسبت به اقامه نماز حساس باشد. در این صورت، این نماز است که او را از خطاها - از جمله خطای جنسی - دور می‌کند.

۱۴. عزت نفس

یکی از ارزش‌هایی که باید مورد توجه متری باشد، ارزش خود فرد است. کودک و نوجوان باید متوجه باشند که قدر و منزلتی دارند که باید آن را حفظ کنند. کسی که خود را کریم و باشخصیت بداند، به خواهش‌ها و هوس‌رانی‌ها تن نمی‌دهد. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «هرکس شخصیتش برایش کریم و بزرگ باشد، شهوتش را خوار می‌کند.»

همچنین می‌فرمایند: «کسی که شرافت ذاتی خود را بشناسد، خویش را از پستی شهوت مصون می‌دارد.» لذا مریبان جهادی باید به شیوه‌های گوناگون در مریبان، تنفراز پستی و رذالت را پرورش دهند و می‌توانند با استفاده از نظام ارجحیت و تشخیص خوب و بد، گفتگو کردن با دانش‌آموزان خود، خواندن داستان، تماشای فیلم و نمایش سازنده، ارائه سرمشق و الگوهای رفتار خوب، در این امر به فرزندان خود کمک برسانند.

۱۵. استمداد از خداوند و اهل بیت علیهم السلام

توجه به خدا و اهل بیت علیهم السلام به نوبه خود ایمان را تقویت می‌کند و موجب می‌شود فکر گناه به ذهن انسان راه نیابد. به علاوه سبب می‌شود انسان به خود بیاید و با احساس شرم و حیا در برابر آن بزرگواران، از لغزش مصونیت یابد.

ب. درمان

در اردوهای جهادی، گاهی مربی با افرادی روبه‌رو می‌شود که متأسفانه به دلایل مختلف دچار لغزش‌های جنسی شده‌اند و این مسئله را جهت اخذ راه‌حل با مربی مطرح می‌کنند. پیشنهاد اکید در چنین مواقعی عدم ورود مستقیم مربیان برای درمان چنین لغزش‌هایی است. در صورتی که مربی دارای تخصص و تجربه مرتبط با این امور است، ورود به این مسائل جهت حل این مشکلات مانعی ندارد، اما اگر مربی، تخصصی در این زمینه ندارد، باید او را به مشاور متخصصی که همراه گروه در سفر حضور دارد، ارجاع دهد و در صورت عدم حضور مشاور، سعی در تغییر بحث و نشنیدن صحبت این دسته از مخاطبان داشته باشد، چراکه بیان گناه برای کسی که نمی‌تواند کاری در این رابطه انجام دهد، خود، گناه است.

در صورتی که مربی در شرایطی قرار بگیرد که هیچ راه دیگری جز صحبت در رابطه با برخی مسائل نداشته باشد، باید بداند که:

- به کم و گزیده‌گویی اکتفا کند؛
- کلمات را طوری انتخاب کند که حرمت بین او و مخاطب حفظ شود؛
- مطالب را با جزئیات و تفصیل بیان نکند و به بیان کلیت اکتفا کند؛
- هنگام بیان جدیت داشته باشد و از شوخی‌های هنگام بیان به شدت پرهیزد؛
- بدیهی است که مربی و مخاطب حتماً باید هم‌جنس باشند.

ج. آموزش جنسی

در رابطه با آموزش مسائل جنسی، مربیان باید توجه داشته باشند که منظور از این واژه در نگاه اسلامی، آموزش مستقیم مسائل جنسی نیست، بلکه آموزش‌ها در این نگاه شامل مواردی می‌شود که در آن‌ها عفاف، حیا و عمل به دستورات دینی را تقویت می‌کند؛ مانند روابط محرم و نامحرم و نیز مسائلی مربوط به احتلام.



این بخش از مسائل به راحتی از طریق بررسی آیات و روایات مربوطه قابل احصا هستند. مربی می‌تواند با بررسی آن‌ها، قاعده‌های لازم را استخراج کند. در ادامه برخی از قواعد لازم در این زمینه به عنوان نمونه جهت آشنایی و استفادهٔ مریبان آورده شده است.

لازم است به مخاطبی که هنوز به سن بلوغ نرسیده، آموزش‌های حریم‌شناسی و چگونگی اجازه‌گرفتن در سه نوبت صبح، ظهر و عشا را ارائه کرد.^۱ افراد نامحرم در عین حال که با اطفال جنس مخالف مهربانانه و از روی صمیمیت برخورد می‌کنند، بهتر است از بغل کردن و بوسیدن آن‌ها خودداری کنند. مراعات این مسائل موجب تقویت عفاف در آن‌ها می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: اگر فرزندان شما به هفت سالگی رسیدند، خوابگاه آنان را از یکدیگر جدا کنید. شما می‌توانید با ظرافت طراحی شده از قبل - که بدون ایجاد حساسیت باشد- از متریبان خود بخواهید که این مسئله را خودشان در منزل رعایت کنند.

مرد نامحرم یا پسر بچه، دختر بچهٔ شش ساله را نبوسد و او را بغل نگیرد و زن نامحرم پسر بچه‌ای را که از هفت سالگی گذشته است، نبوسد. نظر به این‌که تفاوت‌های شخصیتی، جسمی و رشدی میان دختران و پسران وجود دارد، پرداختن به مسائل جنسی نیز باید با در نظر گرفتن این تفاوت‌ها باشد. در شرع مقدس اسلام، تکلیف شرعی دختران در خصوص نماز و روزه خیلی زودتر از پسرها و در سن نه سالگی آغاز می‌شود؛ در صورتی که بلوغ جسمی دختران چندین سال بعد رخ می‌دهد. این در حالی است که در پسران دو مرحلهٔ تکلیف و بلوغ نزدیک به هم و تقریباً در یک زمان محقق می‌شود. شاید یکی از دلایل ظرافت این مسئله، ظرافت و حساسیت احکام مربوط به زنان است. در حقیقت، مسائل مربوط به دختران چنان دقتی دارد که لازم است در طی

یک فرایند و به مرور، احکام شرعی برایشان واجب شود؛ ازاین رو لازم است که در موقف تکلیف دختران صرفاً بر احکام شرعی چون عبادات تأکید نموده و در خصوص مسائل مربوط به حوزه عفاف نیز تنها لازم است بحث حجاب به دختران آموزش داده شود. لازم به ذکر است در این مرحله نباید نسبت به آموزش احکام مربوط به بلوغ جسمی دختران عجله کرد و لازم است بیان این مباحث را به وقت آماده شدن شرایط جسمی آنان موکول کرد.

آموزش حجاب و مراقبت از دیدن، یکی از مهم ترین آموزش های مربوط به این دوره است. در صورتی که افراد در این مهم ناتوان باشند، دچار اختلالات فراوانی خواهند شد.

ترغیب به مطالعه و عمل به آموزش احکام طهارت از رساله های مراجع، موجب تقویت عفاف در افراد مقطع اول از این دوره می شود. تأکید بر این است که ترجیحاً مطالعه خصوصی باشد و پرسش و پاسخ های آن در زمان های اختصاصی و به شکل فرد به فرد صورت گیرد.

ملاحظات

در این دوره متربی با امر و نهی های متولیان آموزشی مواجه می شود. چیزی که در این جا حائز اهمیت است، این است که امر و نهی را با اعمال قدرت نباید اشتباه گرفت. اعمال قدرت، اعتماد متربی را از بین می برد.

هیچ گاه نباید برای ارزیابی متربی او را با دیگران مقایسه کرد، بلکه هر فرد می بایست نسبت به داشته های خود مورد ارزیابی قرار گیرد.

اموری که موجب دل زدگی نیست را گاهی به صورت قانون هایی مطرح کنید (مانند زمان استراحت، ترتیب نشستن و...) تا بداند انجام همه امور مستلزم میل و رغبت او نیست، اما گاه در مورد انتخاب های او انعطاف نشان می دهیم.

مربی باید با برگزاری جلساتی به صورت کارگاه، برخی مهارت ها را مانند کنترل

خشم، جزدگی، حرص و بخل، عجله، شناخت القائنات و وسوسه‌های درونی و نه گفتن به آن را آموزش دهد و او را نسبت به عواقب عدم کنترل این موارد آگاه کند؛ مانند نرسیدن به هدف، به خطرافتادن سلامت جسمی و روحی، به راحتی تحت تأثیر قرارگرفتن و...

مربی باید توجه داشته باشد که فعال کردن سیستم تنبیه و تشویق، اختیار نوجوان را فعال می‌کند. البته پاداش و عقاب در اموری باشد که در طاقت اوست. پاداش همیشه در انجام کار خوب نیست، گاه ترک فعلی که علاقه دارد، پاداش می‌طلبد.

لازم است مربی به جنسیت نوجوان خود توجه کند و با توجه به نوع تفاوت‌های او برایش برنامه‌ریزی کرده و آموزش‌های لازم را به او بدهد. همچنین مربی باید مهارت کنترل و دوری از افراط و تفریط را با بیان تعادل در هر مورد برای نوجوان توضیح دهد.

پسران دارای قوه استدلال بالاتر هستند؛ به همین دلیل، احتمال تنبلی و بهانه‌جویی برای انجام‌ندادن کار در آن‌ها بیشتر است. لذا باید در این زمینه کنترل بیشتری صورت گیرد. همچنین به دلیل بالابودن توان مدیریت کلان در آن‌ها، لازم است مهارت‌های مواجهه با مشکلات، برنامه‌ریزی و حل مسئله در آن‌ها تقویت شود. آن‌ها اهل جسارت و قدرت و زور هستند که باید با تبدیل این قوه به شجاعت‌های معقول، از شجاعت‌های کاذب و خشونت‌ها یا ترس‌های غلط دوری کنند.

دختران دارای قوه عاطفه بالاتر، حوصله و صبر بیشتر، حساس بودن به جزئیات و ظاهر، بلوغ سریع‌تر، توجه بیشتر به معنویت، بالابودن توان حفظ اسرار، قوه حافظه و خیال بیشتر هستند. با توجه به بلوغ زودتر، لازم است کنترل بیشتری صورت گیرد و از دیدن تصاویر نامناسب به علت فعال بودن این قوه دوری شود. همچنین توجه به وظایف او در آینده مانند مسئولیت تربیت نسل و... اهمیت ویژه‌ای دارد.

نتیجه‌گیری

دورهٔ دوم رشد اهمیت ویژه‌ای دارد، چراکه در این دوره آموزش‌های لازم برای رسیدن فرد به تفکر منطقی و عقلی، قدرت انتخاب و رسیدن به بهترین گزینه، توجه به عاقبت و نتیجهٔ هر چیز آموزش داده می‌شود و طی آن متربی باید به علوم دینی و قرآن آشنا شود تا در دوره‌های بعد بتواند از آن‌ها استفاده کند. توجه به ویژگی‌های متربی در این دوره، همچنین توجه به اموری که باید در این دوره آموزش داده شود، مربی را در امر تأدیب یاری می‌کند.

در پایان این دوره متربی باید برای دورهٔ سوم رشد آماده شده باشد. اگر نکات تأدیبی در این دوره توسط مربیان رعایت شود، متربی باید در تصمیم‌گیری‌ها مستقل شده باشد، توان تشخیص خوب و بد از یکدیگر را داشته باشد، به اوقات توجه کند و برای زندگی‌اش برنامه‌ریزی کند، مراتب و جایگاه هریک از اعضای بدنش را بشناسد و در مرحلهٔ شکر از هر کدام به نحو احسن استفادهٔ مطلوب کند و برای سلامتی و تقویت خود ارزش قائل شود. باید‌ها و نباید‌هایی را که به صورت امر به متربی گفته می‌شد، به صورت درونی پذیرفته باشد و به آن‌ها عمل کند. در راستای پذیرش باید‌ها و نباید‌ها، اطاعت از امر خداوند در وی شکل گرفته باشد و در دورهٔ بعدی به چرایی آن‌ها و پذیرش عاقلانهٔ آن‌ها اقدام کند. از روایت، قرآن و احکام لبریز باشد تا جبهه‌های مخالف نتوانند در وی اثر کنند. در تصمیم‌گیری‌ها و به کمک تفکر، رضایت خداوند را به عنوان موضوع حائز اهمیت بدانند و در راستای رضای الهی حرکت کنند.

سخن آخر

موارد بیان شده، کلیات امر تادیب در دوره دوم رشد است. طبیعی است که پرداختن به همه این موارد از حوصله و توان گروه‌های جهادی خارج است، اما توصیه می‌شود برای اثرگذاری بیشتر در امور فرهنگی، مربیان به طور مستمر به صورت‌های حضوری یا غیرحضوری با مربیان ارتباط داشته باشند.

هرکدام از موارد ذکر شده قابلیت پرداخت هم‌زمان با یکدیگر را دارند و مربی با اتکا به توان فردی خویش می‌تواند مباحث را ادغام کرده و طرح درس‌های مناسب با منطقه هدف طراحی کند.

با توجه به بحران‌ها و اهمیت نوجوانی که در این دوره اتفاق می‌افتد، رعایت نکات مربوط به این دوره لازم است.

منابع

۱. از تکلم تا بلوغ، دوره ظهور مشورت و ادب (جلد دوم از دوره‌های رشد تفکر اجتماعی از مجموعه بنیادی حوزه جامعه)، احمدرضا اخوت، نشر قرآن و اهل بیت نبوت، ۱۳۹۲.
۲. از سیادت تا وزارت (آشنایی با مبانی رشد در هفت سال اول، دوم و سوم)، محمدجعفر غفرانی و یاسر رضازاده، نشر قرآن و اهل بیت نبوت، ۱۳۹۴.
۳. بررسی مسائل جوانان، محمد سبحانی نیا، بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۴. بررسی مسائل جوانان، محمد سبحانی نیا، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۲.
۵. تربیت جنسی در اسلام، حافظ ثابت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۶.
۶. دخترانه، مهدی نیکخو، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۳.
۷. عفاف، جاودانه خواهی لذت، هانی چیت چیان، احمدرضا اخوت، نشر قرآن و اهل بیت، ۱۳۹۷.
۸. فلسفیدن با ملانصرالدین، اسکار برنی فیه، ایزابل میلون، روح الله کریمی، مهنوش هدایتی، واحد کودک نشر سینا، ۱۳۹۵.
۹. مهارت‌های خیرگزینی (بالا بردن توان کنترل و مراقبت در کودکان ۱۴-۷ سال)، احمدرضا اخوت، فاطمه فیاض، مریم ادیب، نشر قرآن و اهل بیت نبوت، ۱۳۹۴.



A series of horizontal dotted lines for writing, consisting of 15 lines spaced evenly down the page.



A series of horizontal dotted lines for writing, consisting of 15 lines spaced evenly down the page.